



دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

«فقه ۳»

رشته تفسیر و علوم قرآن

کتاب الأطعمة و الأشرية

درس ۲۲

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای مصطفی عسگری

در خصوص حرمت حیوانی که مورد تجاوز قرار گرفته است، برخی از فقها معتقد به اختصاص این ح کم به حیوانات چهارپا می‌باشند. از بیان علت این تخصیص در نوشتار پیش رو خواهد آمد. در ادامه، به بررسی حکم حرمت میته پرداخته شده و علت آن ارائه خواهد گشت . در این قسمت باید به این نکته توجه شود که در مقابل میته، مذکی قرار دارد که چنین حیوانی حرمت ندارد. آخرین بحث از کتاب اطعمه و اشربه، استدلال بر مواردی از اجزای میته است که حلال شمرده شده است مثل شیر و تخم و پنیر مایه.

متن درس

٦- و اما اختصاص التحريم بذوات الاربع فقد صار اليه جماعة باعتبار ان ذلك هو المنصرف عرفا من كلمة البهيمة، و معه يتمسك في غير ذلك بأصل النجاسة.

٧- و اما حرمة الميتة فامر متسالم عليه بل هو من ضروريات الدين . قال تعالى: حرّمت عليكم الميتة و ... و ما اكل السّبع إلّا ما ذكّيتم.^١ و في الذيل دلالة واضحة على حصر الحل بالمذكي و كون المراد من الميتة غير المذكي لخصوص ما مات حتف انفه.

ثم ان حرمة الميتة لا تختص بما كان له نفس سائلة بل تعم غيره كالسمك مثلا لإطلاق دليل التحريم، اجل تختص النجاسة بميتة ذى النفس الا ان ذلك مطلب آخر.

٨- و اما استثناء ما ذكر من حرمة الميتة فلصحيحة زرارة عن ابي عبدالله عليه السّلام : «سألته عن الانفحة تخرج من الجدى الميت قال: لا بأس به. قلت: اللبن يكون في ضرع الشاة و قد ماتت، قال : لا بأس به. قلت: و الصوف و الشعر و عظام الفيل و الجلد و البيض يخرج من الدجاجة فقال: كل هذا لا بأس به»^٢ و غيرها.

و انما قيدنا البيضة بما اذا اكتست القشر الاعلى فلموثقة غياث بن ابراهيم عن ابي عبدالله عليه السّلام: «بيضة خرجت من است دجاجة ميتة قال: ان كانت اكتست البيضة الجلد الغليظ فلا بأس بها»^٣.

^١ . المائدة: ٣.

^٢ . وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٤٤٩، الباب ٣٣ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ١٠.

^٣ . وسائل الشريعة، ج ١٦، ص ٤٤٨، الباب ٣٣ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٦.

و من جملة روايات المسألة ما رواه الشيخ الكليني في الكافي، ج ٦، ص ٢٥٦، بسنده الى ابي حمزة الثمالي قال: «كنت جالسا في مسجد الرسول صلى الله عليه وآله اذ اقبل رجل فسلم فقال: من أنت يا عبدالله؟ قلت: رجل من اهل الكوفة. فقلت: ما حاجتك فقال لي: أتعرف ابا جعفر محمد بن علي عليهما السلام فقلت: نعم فما حاجتك إليه؟ قال: هيأت له اربعين مسألة أسأله عنها فما كان من حق أخذته و ما كان من باطل تركته، قال ابو حمزة : فقلت له: هل تعرف ما بين الحق و الباطل؟ قال: نعم، فقلت له: فما حاجتك إليه اذا كنت تعرف ما بين الحق و الباطل؟! فقال لي: يا أهل الكوفة انتم قوم لا تطاقون اذا رأيتم ابا جعفر عليه السلام فاخبرني فما اقطع كلامي معه حتى اقبل ابو جعفر عليه السلام و حوله اهل خراسان و غيرهم يسألونه عن مناسك الحج فمضى حتى جلس مجلسه و جلس الرجل قريبا منه . قال ابو حمزة: فجلست حيث اسمع الكلام و حوله عالم من الناس، فلما قضى حوائجهم و انصرفوا التفت الى الرجل فقال له: من انت؟ قال: انا قتادة بن دعامة البصري فقال له ابو جعفر عليه السلام: أنت فقيه اهل البصرة؟ قال: نعم، فقال له ابو جعفر عليه السلام: و يحك يا قتادة ان الله عزوجل خلق خلقا من خلقه فجعلهم حججا على خلقه فهم اوتاد في ارضه، قوأم بأمره، نجباء في علمه، اصطفاهم قبل خلقه أظلة عن يمين عرشه، قال : فسكت قتادة طويلا ثم قال : اصلحك الله و الله لقد جلست بين يدي الفقهاء و قدّام ابن عباس فما اضطرب قلبي قدّام واحد منهم ما اضطرب قدّامك قال له ابو جعفر عليه السلام : و يحك أتدرى أين أنت؟ أنت بين يدي بيوت اذن الله ان ترفع و يذكر فيها اسمه يسبح له فيها بالغدو و الاصل رجال لا تلهيهم تجارة و لا بيع عن ذكر الله و اقام الصلّاة و إيتاء الزكاة [النور: ٣٦-٣٧] فانت ثمّ و نحن اولئك. فقال له قتادة: صدقت و الله جعلني الله فداك و الله ما هي بيوت حجارة و لا طين . قال قتادة: فاخبرني عن الجبن، قال: فتبسم ابو جعفر عليه السلام ثم قال: رجعت مسائلك الى هذا؟ قال: ضلت علىّ فقال: لا بأس به فقال: انه ربما جعلت فيه انفحة الميت قال: ليس بها بأس ان الانفحة ليس لها عروق و لا فيها دم و لا لها عظم انما تخرج من بين فرث و دم . ثم قال: و انما الانفحة بمنزلة دجاجة ميتة اخرجت منها بيضة فهل تؤكل تلك البيضة ؟ فقال قتادة: لا و لا أمر بأكلها. فقال له

۶. اختصاص تحریم به چهارپایان

گفتیم که بعضی ها حرمت موطوء و انسان را در خصوص چارپایان دانسته اند. طبق این قول، وطی چهار پا باعث حرمت گوشت و شیر و نسل آن حیوان می شود. اما اگر انسان به غیر بهائم از حیوانات تجاوز کرد^۱ باعث حرمت گوشت این حیوانات نمی شود. دلیل این تخصیص انصراف کلمه بهیمه در روایات به چارپایان می باشد. در آن روایات، عنوان بهیمه ذکر شده است و بهیمه هم عرفاً منصرف به چهارپا می باشد، یعنی حیواناتی مانند شتر و گاو و گوسفند و اسب و قاطر و الاغ. عرف به مرغابی، شترمرغ، خروس و مرغ بهیمه اطلاق نمی کند. اصلاً در موثقه سماعه نام حیواناتی مانند شتر و گاو و گوسفند آمده است. بدین ترتیب، حکم چارپایان، از روایات ثابت می شود اما بقیه حیوانات مشکوک هستند که محل جریان اصل برائت است. در نتیجه حکم به حلیت سایر حیوانات که موطوء انسان واقع شوند می شود.^۲

۷. حرمت میتة

همان طور که گفتیم حیوانی که به غیر ذبح شرعی بمیرد حرام است و قابل تطهیر هم نمی باشد. حرمت گوشت میتة نه تنها مورد اتفاق علما بلکه از ضروریات دین است. و آیه شریفه «حرمت علیکم المیتة» هم بر آن دلالت دارد. در ادامه آیه می فرماید هر حیوانی که حیوانات درنده آن را پاره کردند حرام است مگر اینکه آن را تفکیه کرده باشید. ذیل آیه، دلالت روشنی بر این دارد که حیوان حلال فقط حیوان مذکی است، پس مراد از میتة که حرام است مطلق غیر مذکی است چه خودش مرده باشد و چه آن را کشته باشند. همچنین در این حرمت فرقی بین حیوانی که خون جهنده داشته باشد با حیوانی که خون جهنده نداشته باشد وجود ندارد، ماهی هم اگر در آب مرده باشد حرام است. دلیل آن هم اطلاق تحریم است و اختصاص به حیوان دارای خون جهنده ندارد. البته در حکم نجاست بین دو نوع حیوان فرق می کند، و هر حیوانی دارای خون جهنده باشد و بمیرد نجس می شود بر خلاف حیوانی که خون جهنده ندارد. ولی این بحث دیگری است و یا حرمت میتة فرق می کند.

تطبیق

و اما اختصاص التحريم بذوات الاربع

اختصاص داشتن تحریم به چهارپایان (یعنی موطوء انسان اگر از چارپایان باشد حرام می شود و الا نه) فقد صار اليه جماعة باعتبار ان ذلک هو المنصرف عرفاً من کلمة البهيمه، و معه يتمسک فی غیر ذلک بأصل البراءة.

ابو جعفر علیه السلام: و لم؟ فقال: لأنها من الميتة، قال له: فان حضنت تلك البیضة فخرجت منها دجاجة أ تأکلها؟ قال: نعم، قال: فما حرم علیک البیضة و حلّ لک الدجاجة...».

^۱ . گرچه کار حرام و قبیحی می باشد.

^۲ . توجه شود، منظور از حلیت، حلیت خود حیوان، گوشت و انتفاعات آن است، اما عمل وطی حرام است.

جماعتی از اصحاب قائل به این حکم شده اند، از این جهت که کلمه بهیمه عرفاً انصراف به چارپایان دارد. (در روایات، حکم حرمت نسبت به بهیمه صادر شده و بهیمه به چهارپایان انصراف دارد)،^۱ در مورد غیر چهارپایان شک می‌کنیم (دلیلی بر حرمت موطوء غیر چارپایان نداریم) و اصل برائت از حرمت جاری می‌سازیم.^۲

۷- و اما حرمة الميتة فامر متسالم علیه بل هو من ضروریات الدین . قال تعالی: حرمت علیکم الميتة و ... و ما اكل السبع إلّا ما ذکّیتُم.^۳

حرمت مردار مورد اتفاق علما بوده بلکه از ضروریات دین شمرده می‌شود. خداوند در قرآن فرمود: میتة بر شما حرام شده... و آنچه که درندگان بخورند مگر حیوانی که تذکيه کرده باشید.

و فی الذیل دلالة واضحة على حصر الحل بالمذکی و کون المراد من الميتة غیر المذکی لخصوص ما مات حتف انفه. ذیل آیه دلالتی روشن دارد بر این که حلیت منحصر است به حیوانی که تذکيه شده باشد و مقصود از میتة حیوان غیر مذکی است نه خصوص حیوانی که به مرگ طبیعی (بدون ضرب و جرحی) مرده باشد.

ثم ان حرمة الميتة لا تختص بما كان له نفس سائلة بل تعم غیره کالسمک مثلاً لإطلاق دلیل التحريم، اجل تختص النجاسة بميتة ذی النفس الا ان ذلک مطلب آخر.

حرمت میتة اختصاص به حیوانی که خون جهنده داشته باشد ندارد بلکه شامل غیر آن که خون جهنده ندارد نیز می‌شود مثل ماهی زیرا دلیل تحریم میتة اطلاق دارد. آری بین این دو دسته حیوان در نجاست و طهارت تفاوت است، میتة حیوانی که خون جهنده دارد نجس و میتة حیوانی که خون جهنده ندارد پاک است ولی بحث ما در خوردن گوشت آنان است نه طهارت و نجاستشان.

<p>قول اول: عام است، شامل هر حیوان می‌شود.</p> <p>قول دوم: عام نیست. اختصاص به ذوات الاربع دارد ← دلیل: حکم حرمت بر بهیمه وارد شده، و بهیمه هم</p> <p>منصرف به چارپایان می‌باشد عرفاً. پس سایر حیوانات (مثلاً پرندگان) مشکوک بوده به اصل برائت رجوع می‌شود.</p>	<p>حرمت موطوء</p> <p>انسان</p>
---	--------------------------------

^۱ . اگر لفظی بر عنوانی عام که دارای مصادیق یا انواع و اصناف متعددی است وضع شده باشد (مانند بهیمه که بر حیواناتی که قدرت سخن گفتن ندارند وضع شده. این حیوانات از انواع گوناگون تشکیل شده اند) ولی در اثر کثرت استعمال در نوع خاصی (مانند چهارپایان) لفظ از معنای اصلی خود روی برگردانده و در این نوع خاص مورد استفاده واقع شود. به گونه‌ای که عرف از آن لفظ، معنای عام را نمی‌فهمد در این حالت گویند این لفظ از معنای عامش انصراف دارد به این معنای خاص. این نوع انصراف مورد پذیرش علمای اصول واقع شده و مانع از انعقاد عموم یا اطلاق در لفظ می‌شود.

برخی برای تحقق انصراف منشأ دیگر نیز ذکر کرده‌اند: کثرت وجود آن نوع خاص از بین انواع، اکمل بودن آن در بین افراد.

^۲ . می‌توان قبل از تمسک به اصل برائت به استصحاب نیز تمسک کرد بلکه تمسک به استصحاب مقدم بر تمسک به اصل برائت است، زیرا با جریان استصحاب و اثبات عدم حرمت تبعداً شکمی باقی نمی‌ماند تا جای اصل برائت باشد. این حیوان قبلاً حلال بود، با وطی انسان. شک حاصل می‌شود که حرام شد یا نه، استصحاب حلیت می‌شود.

^۳ . المائدة: ۳.

متسالم علیه بین اصحاب است.

بلکه از ضروریات دین است.

آیه قرآن بر آن دلالت دارد «حرمت علیکم المیتة»

مراد از میتة، غیر مذکی است نه فقط حیوانی که خودش مرده باشد.

حرمت میتة مطلق است، شامل حیوانی که دارای خون جهنده است و حیوانی که دارای خون جهنده نیست می شود.

Sco1: ۱۵: ۴۳

۸. استثنائات حرمت، از اجزای لاشه حیوان

در بیان احکام گفتیم که بعضی از اجزای میتة از حرمت استثناء شده و حلال می باشد و استفاده از آنها جائز است. پنیر مایه ای که در شیردان حیوان موجود می باشد، پوست و مو، تخم مرغ و عاج فیل از مواردی است که از حرمت اجزای میتة استثناء شده و حلال می باشند.

همچنین شیری که در پستان حیوان مرده موجود می باشد حلال است.

دلیل حلیت اجزای مذکور از میتة

دلیل استثنائات مذکور روایاتی است که در این باب وارد شده است.

یکی از این روایات صحیح زرارہ است که موارد متعددی از اجزای میتة را از امام صادق (علیه السلام) سؤال می کند و حضرت در پاسخ می فرماید اشکالی ندارد.

علت این هم که حلال بودن تخم پرندۀ مرده مقید به صورتی است که پوسته رویی تخم تشکیل شده باشد به جهت موثقه غیاث است که در آن، امام (علیه السلام) می فرماید: اگر پوست تخم سفت شده باشد اشکالی ندارد.

تطبیق

۸- و اما استثناء ما ذکر من حرمة المیتة

استثنای بعضی از اجزای مردار از حرمت

فلصحیحة زرارۀ عن ابی عبد الله علیه السلام : «سألته عن الانفحة تخرج من الجدی المیت قال : لا بأس به . قلت: اللبن یكون فی ضرع الشاة و قد ماتت، قال: لا بأس به.

به دلیل روایاتی است که در این موضوع رسیده است از جمله آنها صحیح زرارہ از امام صادق (علیه السلام) است که می گوید: درباره حکم پنیر مایه ای که از بزغالۀ مرده بیرون می آورند و شیری که در پستان گوسفند مرده وجود دارد، پرسیدم: امام (علیه السلام) در پاسخ فرمود: اشکالی ندارد.

قلت: و الصوف و الشعر و عظام الفیل و الجلد و البیض یخرج من الدجاجة فقال: کل هذا لا بأس به^۱ و غیرها.

^۱ . وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۴۴۹، الباب ۳۳ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحدیث ۱۰.

پرسیدم پشم، مو، استخوان و عاج فیل و پوست و تخم ی که از شکم مرغ مرده بیرون می آید، چه؟ امام (علیه السلام) در پاسخ فرمود: همه آنچه گفתי بدون اشکال است.

و انما قیدنا البیضة بما اذا اکتست القشر الاعلی فلموثقة غیاث بن ابراهیم عن ابی عبدالله علیه السلام : «بیضة خرجت من است دجاجة میتة قال: ان کانت اکتست البیضة الجلد الغلیظ فلا بأس بها».

ما حلیت تخم را به این مقید کردیم که پوست رویین آن بسته شده باشد، زیرا موثقه غیاث بن ابراهیم از امام صادق (علیه السلام) بر این مطلب دلالت دارد. وی در این موثقه از امام (علیه السلام) می پرسد: تخم مرغی از مخرج مرغ مرده ای بیرون می آید، امام فرمود: اگر تخم پوسته محکم به خود گرفته باشد اشکالی ندارد.

همه اجزایش حرام است به جز موارد استثنا شده

موارد استثنا شده عبارتند از: پنیر مایه، شیر، پشم، مو، استخوان فیل، پوست، تخم مرغ.

علت استثنا: روایاتی مثل صحیح زراره و ...

حلیت تخم مرغ میته: در صورتی است که پوست سفت روی آن روئیده باشد زیرا در موثقه غیاث بن ابراهیم چنین قید زده شده.

میته حیوان
حلال گوشت

Sco2: ۳۱: ۳۸

چکیده

۱. بعضی از علما، حرمت موطوء انسان را مختص چارپایان دانسته اند زیرا در روایات حکم حرمت بر بهیمه وارد شده و آن نیز منصرف به چارپایان است. در سایر موارد چون مشکوک هستند، به اصل برائت رجوع می‌کنیم.
۲. حرمت میته نه تنها مورد تسالم علما بود، بلکه از ضروریات دین است و آیه قرآن هم بر آن دلالت دارد.
۳. منظور از میته حیوان غیر مُذْکِی است و فقط حیوانی که به مرگ طبیعی و بدون ضرب و جرح مرده باشد نیست.
۴. حرمت میته اختصاص به حیوانی که دارای خون جهنده باشد مانند گوسفند ندارد و شامل حیوانی که خون جهنده ندارد هم می‌شود مانند ماهی. دلیل آن اطلاق دلیلی تحریم است.
۵. بعضی از اشیاء حیوان میته مانند پوست و مو و عاج و پشم و تخم و پنیر مایه از حرمت استثناء شده اند. زیرا روایاتی مانند صحیح زراره و موثق غیاث بن ابراهیم بر آن دلالت دارند.
۶. علت این که حلیت تخم مرغ میته مشروط به روییدن پوسته سفت آن می باشد، ذکر آن در موثق غیاث بن ابراهیم است.